



دیوارها امرمان می‌کنند

به بهانه نمایشگاه نازگل انصاری نیا در گالری او.

سهراب محبی

گرافیتی سر از کاری‌های هنری درمی‌آورد. هنری مردمی و اعتراضی زلم‌تر شده و وارد نمایشگاه می‌شود، از دیوار به استودیو می‌رود. بسیاری معتقدند که هنر گرافیتی از مهم‌ترین تجلیات هنر پست‌مدرن بوده است، از آن رو که از جایگاهی به‌شدت مردمی برخاسته است. امروزه در بسیاری از شهرها جایگاه ثابتی یافته و جویی از هویت شهری شده است.

اما دیوارهایی که ما را محاصره کرده‌اند در اختیار ارگان‌هایی است که رسانه هم در اختیار دارند، لاجرم چیزی به تجربیات تجسمی / شهری و یا فکری‌مان نمی‌افزایند. از همان خاستگاه زیبایی‌شناسانه. اگر بتوان چنین کلمه‌ای را برای محصولات رسانه‌ای ما به کار برد. برخاسته‌اند. تصویری برای کورها، لوامری برای کرها. روزی رسید که دیگر چشمان‌مان را به روی شهرمان بستیم و دیگر اضافه شدن آسمان‌خراشی دیگر به گنبد خاکستری سوراخ سوراخ‌اش را هم نمی‌بینیم. چه رسد به دیوارهایش.

نازگل انصاری‌نیا ما را دعوت می‌کند که دیواره به این افعال نگاه کنیم. آن‌ها را هم از دریچه زبانی و هم از دیدگاه تجسمی بررسی کنیم. آیا این نوشته‌ها جایی از ناخودآگاه ما را اشغال نکرده‌اند، به راستی دبدن آن‌ها بر ما چه تأثیری می‌گذارد؟

دیوارها امرمان می‌کنند، دیوارهای معلم، دیوارهای پشت تربیت، دیوارهای بلندگو به‌دست، ماد کور، ما، گر. از خیابان‌های شهر رد می‌شویم، امر و نهی می‌شویم، ولی به راستی چه قدر این فعل‌ها را می‌بینیم. انکار دیگر جایی از زیر توار تصویری ما را اشغال کرده‌اند. آن بخش ندیدنی‌ها - دیگر از کارکرد زبانی خود زنده شده‌اند. افعالی که دیگر فعل نیستند. آن‌ها به گستره بزرگ نگاه کردنی‌های نا - دیدنی ما پیوسته‌اند. کارکرد زبانی آن‌ها جای خود را به کارکردی تصویری داده است و در کارکرد تازه خود نیز ناکارآمدند. از آن‌گونه‌ها که زنده نمی‌شوند.

گرافیتی (یا دیوارنگاری) به صورت مدرن، به فعالیت‌های سیاسی اواخر دهه شصت میلادی بلژی می‌گردد. نوعی ضد فرهنگ، نوعی هنر انتقادی، هنر حاشیه‌نشینی، اعتراضی، از این رو در فرهنگ هپ - هاپ (در لس‌آنجلس) و پانکراک نیز متجلی می‌شود. هنر کسانی که دستشان از رسانه‌های گروهی و روزنامه‌ها کوتاه بود و دیوارها را رسانه‌ای برای انتقال پیام - هرچند کوتاه - یافتند. گرافیتی در اواسط دهه هشتاد به‌شدت سرسوک می‌شود. خصوصاً در نیویورک که دیگر در مترو و واگن‌های قطار جایگاه ثابتی یافته بود. در همین حین با تغییراتی چند، در اثر هنرمندانی چون ژان میشل بلسکیا و کیت هرینگ



معماری خلق در هنر شهری
تا به چهل سال پیش او رنگی
معماری شهری از سببی
معماری و دیوارنگاره‌ها



شهروندان از کنار یکی از همین دیوارنگاره‌ها بود نوشته دیوارنگاره حذف شده بود و حاشیه گذار آن در سطح نوشته تکرار شده بود کسی به آن نینگاهی هم نمی‌انداخت. در همین حال قرار دادن این ویدئو پشت ویترین به نوعی تأکید مضاعفی است بر مسئله عبور.

تصاریف یا نوشته‌های آرجاج معکوس، هوبیتی که این دیوارنگاره‌ها ندارند را به آن‌ها اطلاق می‌کند. از این لحاظ شاید بتوان او را نخستین هنرمند گرافیتی مدرن ایران دانست. او برخلاف هنرمندان ایرانی که پیش‌تر به گرافیتی‌های شهری ما توجه کرده‌اند، از عنصر بازاریابی قومی و شرق‌شناسانه (آرینتالیستی) به آن‌ها نگاه نمی‌کند. بلزنگری او به دیوارهای شهر از جایگاه یک شهروند است، شهروندی که امکانات هنری خود را می‌شناسد و شهرش را از دید یک بیگانه نگاه نمی‌کند.

او عکس پیشینیان دهه هشتادتی‌اش در نیویورک عمل می‌کند: آن‌چه دیده نمی‌شود را به گالری می‌برد تا دیده شود.

اطه‌انظر مکن، عنوان نمایشگاهی بود که از تاریخ ۸ تا ۲۲ دیماه هر گالری ۱۲ ونگ (او) برگزار شد. بر دیوار سمت چپ گالری فعل نزدیک نشوینده به رنگ قرمز و با سبک دیوارنگاره‌های معمول شهری تهران نوشته شده بود. بازتابی در مقیاس یک به یک تجربه فرار گرفتن در کنار یک دیوارنگاره شهری اما از منظری دیگر: برای دیدن، برای خواندن، بر سه دیوار دیگر روی مقوله‌های ۵۰×۷۰ مجموعه‌ای از افعال دیوارنوشته‌های شهری سب شده بود. باز هم به همان شیوه، اما در مقیاس کوچک‌تر. این افعال از جملات دیوارنگاره‌های شهری جدا شده‌اند. از بافت اصلی خود برداشته شده‌اند. و در فضای گالری نزدیک یکدیگر بافت تازه‌ای را تشکیل داده‌اند، مجموعه‌ای از افعال امری.

از طرفی دیگر، دارای همان خصیصه شخصی‌گونه (نمایه‌ای) عکسی هستند. با انتخابی هوشمندانه، با همان تکنیکی اجرا شده‌اند که دیوارنگاره‌های شهری تهران ایجاد شده‌اند. مانند یک رد پا اثر و منگی به نوعی پیوند فیزیکی. مانند عکس کواب شده، بزرگ یا کوچک‌نمایی شده و از این رهگذار پیوند خود با هنر معاصر را حفظ می‌کند. بی‌شک ارائه این آثار در فضای بزرگ‌تر امکانات بیش‌تری را در اختیار هنرمند می‌گذاشت و امکان برداشتی بهتر را فراهم می‌کرد.

پشت ویترین گالری ویدئویی نمایش داده می‌شد که نشان‌دهنده عبور